تلخیصی از

اصول و قواعد قرائات قرّاء سبعه

تحقیق و نگارش: مصطفی زرنگار

معاونت پژوهش

1391

توجه خوانندگان گرامی را به نکات زیر جلب می‌نماییم:

1ـ قواعد انتخاب شده بر اساس اهمیت و فراوانی آنها در قرائات قراء سبعه گزینش و تنظیم شده است.

2ـ مسلّماً موارد گفته شده در این خلاصه، تمام آن مطالبی نیست که یک قاری ممتاز یا استاد و مدرس قرائات باید بداند لذا در برخی موارد لازم است به تفصیل قواعد یا بخش فرش الحروف، مراجعه صورت گیرد.

3ـ گزینش و تنظیم مطالب تلخیص از روی دو کتاب «ده قرائت» تألیف استاد ارجمند جناب آقای مولایی و «قراء سبعه و قرائات سبع» تألیف استاد ارجمند جناب آقای دکتر لسانی صورت گرفته است.

4ـ این مجموعه در سه صفحه جدول و پنج صفحه پیوستی تقدیم حضور علاقمندان و متخصصان امر قرائت می‌شود.

امید آن که مورد استفاده شایان واقع گردد.

ربنا علیک توکلنا و الیک انبنا و الیک المصیر

« جدول شماره یک »

قاری	بسمله	مدود	یاءات زوائد	میم جمعی	وقف (بر موسوم الخط)
عاصم	اثبات آن در ابتدای هر سوره بجز توبه و به هنگام وصل بین دو سوره	ـ متصل و منفصل : توسط (4 حرکت) ـ لازم : 6 حرکت (مثل سایر قراء) ـ عارض به سکون : قصر، توسط، طول (مثل سایر قراء) ـ لین : قصر، توسط، طول	حذف یاء زائد در روایت حفص الّا در فما اتین یَ الله که اثباء یاء در وصل و به اثبات یاء ساکن یا حذف آن در حالت وقف است ولی شعبه آن را حذف کرده.	ـــــ	عاصم مطابق رسم مصحف و مطابق تعریف، وقف می کند مثلاً تاء تأنیث اگر کشیده رسم شده باشد، مثل رحمت، به تا ساکن وقف می‌نماید و یا فمالِ، ایّه، کأیّن، مطابق قاعده وقف عمل نموده است.
نافع	همانند ابوعمرو	قالون: منفصل: قصر و توسط متصل: توسط/لین: همانند عاصم ورش: اشباع هر دو / مدّ بدل: تثلیث بدل / مدّلین : در وصل و وقف : توسط و طول مد لازم و عارضی: همانند عاصم	در مواضعی (18 مورد) که در رسم المصحف ما به ازایی ندارند در حالت وصل، به اثبات «ی» خوانده ولی در وقف، آن‌را حذف کرده است.	ورش، میم جمعی اگر بعد از آن همزه قطع بیاید را واوصله می‌افزاید. قالون : پس از میم جمعی هر حرف متحرکی بیاید دو وجه صله و سکون دارد.	ـــــ
حمزه	اثبات آن در ابتدای سور بجز توبه ـ وصل، بدون بسمله و در سور چهارگانه الزهر (مدثر و قیامه، انفطار و مطففین، فجر و بلد، عصر و همزه) با سکت بین دو سوره و بدون بسمله وصل کرده	متصل و منفصل: طول لازم، عارضی و لین: همانند عاصم	ربّنا و تقبل دعاءِ به اثبات یاء دعاء در وصل، اتمدّونن به اثبات یاء در هر حال و فما اتینِ به حذف یاء در هر حال خوانده	ضمیر جمع «هِم» در سه کلمه عَلَیهِم، اِلَیهِم، لَدیهِم را مضموم می گرداند. در مواردی که ضمیر «هِم» پس از کسره یا «ی» ساکن قرار گیرد و حرف اوّل کلمه بعدی ساکن باشد، «ه» و «م» هر دو مضموم می گرداند.	ـــــ
کسائی	همانند عاصم	متصل و منفصل : توسط سایر مدود : مثل عاصم	به حذف یاء در همه مواضع	اگر ضمیر «هم» باشد در وصل به کلمه دارای الف وصل با ضم ها و میم	تاء تأنیث چه کشیده و چه مدوّر رابه هاء وقف کرده الّا در ذات در کلمات : ذات بینکم، ذات الیمین و ذات الشمال که به ت وقف کرده وهمینطور است یا ابت ـ در «مال» دو وجه وقف بر «ما» و بر «ل» ـ در «ایّه» به الف ایّها وقف کرده ـ در و یکانّ روی یاء وقف و از کأنّ آغاز کرده ـ در ایّاما، بر ایّا وقف کرده
ابوعمرو	اثبات آن در ابتدای سور بجز توبه ـ در وصل دو سوره، سه وجه : اثبات بسمله / ترک بسمله با سکت بین دو سوره / ترک بسمله بدون سکت بین دو سوره	متصل : توسط / منفصل : قصر در روایت دوری هر دو توسط لازم، عارضی، لین: همانند عاصم	همهٔ این یاءات در وصل، به اثبات یاء و در وقف، (مطابق رسم المصحف) خوانده است.	اگر ضمیر جمع «هم» پس از کسره یا یاء ساکن قرار گیرد و حرف اول کلمه بعد ساکن باشد ها و میم مکسور می گردد.	تاء تأنیث کشیده (مثل رحمت) را به «هـ» وقف کرده و در ابت به تاء وقف کرده، کأین بر یاء مشدّد وقف کرده در «ایّه» به ایّها وقف کرده. «و یکأن و یکأنّه» بر کاف وقف کرده به ابتدا از اَنّ صحیح دانسته. لام جر پس از ما (فمالِ...) بر ما وقف کرد
ابن عامر	همانند ابوعمرو	متصل و منفصل : توسط لازم، عارضی، لین: همانند عاصم	فما اتین الله را به حذف یاء در هر حال خوانده (بقیه موارد بشرح فرش الحروف)	ـــــ	در یا ابت به فتح تاء و در وقف به هاء خوانده. ایّه در وصل به ضمّها (ایُّهُ) و در وقف به سکون آن خوانده.
ابن کثیر	همانند عاصم	متصل : توسط منفصل : قصر لازم، عارضی، لین: همانند عاصم	همهٔ یاءات زائده (مورد اختلاف قراء) را به اثبات یاء در دو حالت وقف و وصل خوانده است.	تمام میم‌های جمعی را در وصل به ما بعد متحرک، صله واوی داده و لی اگر بعد از میم جمعی ساکن باشد مثل بقیه صله نداده بجز فما اتین که به حذف یاء در دو حالت خوانده	در یا ابت مثل ابن عامر عمل کرده، و در تاء تأنیث کشیده مثل ابوعمرو و کسائی. موارد چهارگانه سکت از حفص را به ترک سکت و ادغام نون «مَن» و لام «بل» در راء خوانده. بزّی (مانند کسائی) در وقف بر «هیهات» به «هـ» وقف کرده و در وقف بر کلمات : فیمَ، بمَ، ممَّ، عمَّ، لمّ به الحاق هاء سکت و بدون آن خوانده است

« جدول شماره دو »

قاری	ادغامات	همزه	یاءات متکلّم	اماله
عاصم	اعتدال در ادغام از ویژگی‌های قرائت عاصم است. او ادغام کبیر ندارد. روایت شعبه ادغام ذال ساکن در تاء (در یک کلمه) وجود دارد و در کلمه بل ران، لام را در راء ادغام کرده است.	تحقیق کلیه همزه‌های مفرده و مزدوجه در قرائت عاصم، الا دو کلمه کفواً و هزواً و نیز تسهیل همزه دوم ءاعجمی. شعبه دو کلمه هزءا و کفؤا را با همزه خوانده است. ـ آمنتم در سه سوره اعراف، طه و شعرا در روایت شعبه : ءَآمنتم خوانده شده است.	بعد از یاء، همزه مفتوح : به سکون «ی» الّا در معی ابدا (توبه) و معی اورحمنا (ملک) : حفص به فتح و شعبه به سکون «ی» / بعد از یاء، همزه قطع مکسور : سکون یاء الّا در 11 مورد که حفص به فتح و شعبه بر سکون «ی» خوانده / بعد از یاء، همزه قطع مضموم : سکون «ی» / بعد از یاء، همزه وصل با لام تعریف : فتح «ی» (مثل شعبه) ولی حفص به سکون آن / بعد از یاء، همزه وصل بدون لام تعریف : سکون «ی»، شعبه نیز مثل عاصم الّا در «من بعدی اسمه احمد» که به فتح «ی» خوانده / کلمه «معی» در 11 موضع : حفص به فتح «ی» و شعبه : سکون آن / کلمه «لی» در 5 موضع : حفص به فتح و شعبه به سکون «ی» / «وجهی» (آل عمران و انعام) و بیتی (بقره، حج و نوح) : حفص به فتح و شعبه به سکون «ی»	حفص فقط امالهٔ راء مجریها ولی شعبه این کلمه را مُجریها و به فتح خوانده. ـ بقیه موارد اماله به روایت شعبه : **بشرح پیوست**
نافع	نافع : ادغام دال در ذال، دال در ضاد و ذال در ت در یک کلمه بجز : عذت و فنبذتها. ورش : دال قد در ضاد و ظاء، تاء تأنیث در ظاء. نون در واو یس و القرآن تنها به ادغام خوانده و ثاء در ذال یلهث ذالک و ب درم ارکب معنا را به اظهار خوانده	بشرح پیوست	بشرح پیوست	الفهای مقصوره آخر کلمه که منقلب از یاء باشد یا در مصاحف به «ی» نوشته شده باشد و نیزالفی که بعد از آن راء مکسور باشد تقلیل کرده فقط هاء در طه را اماله کبرا کرده است.
حمزه	حرف دال «قد» در 8 حرف : ج، ذ، ز، س، ش، ص، ض، ظ / تاء تأنیث متصل به فعل در شش حرف ج، ذ، ز، س، ص، ظ. خلف : ذال اذ را در ت ادغام کرده و تنوین و نون ساکنه در واو و یاء را بدون غنه ادغام کرده. خلّاد : ذال اذ در حروف ت، د، ز، س، ص و ب ساکن را در ف ادغام نموده.	خلف : سکت بر حرف ساکن موصول قبل از همزه بدون تنفس مثل الانسان و سکت بر «ی» شیء در حال وصل ولی سکت بر ساکن مفصول (مثل قد افلح) دو وجه سکت وعدم آنست. حمزه : کفؤاً، هزؤاً و جزءاً را در وصل به اسکان حرف ما قبل همزه و اثبات همزه و در وقف به دو وجه : نقل و حذف یا ابدال همزه به واو با حفظ سکون قبل از همزه خوانده است.	ـ بعد از یاء، همزه قطع مکسور : سکون «ی» ـ یعد از یاء، همزه قطع مضموم : مثل حفص ـ بعد از یاء، همزه وصل با لام تعریف : سکون «ی» ـ بعد از یاء، همزه وصل بدون لام تعریف : مثل حفص	الف‌های منقلب از یاء در افعال و الف‌های مقصوره را اماله کبرا نموده است.
کسائی	ذال «اذ» در پنج حرف : ت، د، ز، س، ص / تاء تأنیث در شش حرف ث، ح، ز، س، ص، ظ / دال «قد» در هشت حرف : ج، ذ، ز، س، ش، ص، ض، ظ و نیز دال کهیعص در «ذکر» / باء در «ف» در پنج موضع / لام «هل» و «بل» در هشت حرف : ت، ث، ز، س، ض، ط، ظ، ن / ذال در «ت» بشرطیکه مدغم و مدغم فیه در یک کلمه باشد / ن یس در والقران و نون در والقلم نون سین طسم در میم / ابوالحارث : لام در «ذال» عبارت «یفعل ذالک» در سه موضع قرآن.	ـ موارد سکت حفص : به ادغام و بدون سکت ـ ارأیت در هر استعمال با حذف همزه دوم ـ امر مشتق از سؤال با حذف همزه عین الفعل (فاسأل = فَسَل)	ـ یاءات متکلم در وصل و وقف به سکون «ی» ـ فما اتین الله به حذف «ی» در دو حالت وقف و وصل ـ دوری : در وصل، یاءات متکلم را به اثبات و در وقف به حذف «ی» خوانده.	بشرح پیوست

« جدول شماره سه »

قاری	ادغامات	همزه	یاءات متکلّم	اماله
ابوعمرو	ادغام، ویژگی شاخص قرائت اوست. زمینه‌ها و موارد آن : **بشرح پیوست**	دو همزهٔ قطع مختلف الحرکه : تسهیل همزه دوم. اگر همزه دوم مفتوح یا مکسور: میان دو همزه، الف وصل به اندازهٔ دو حرکت آ، اگر همزه دوم مضموم، دو وجه : الف وصل یا بدون آن. دو همزه قطع متفق الحرکه: حذف یکی از آندو. سوسی : ابدال همزه‌های مفرد ساکن به جنس حرکت قبل خود دوری : تحقیق آنها	حرف قبل از یاء متکلم مکسور و بعد از آن همزهٔ مفتوح یا مکسور باشد، فتح یاء و اگر مضموم باشد و نیز اگر پس از یاء، یکی از حروف هجا، غیر از همزه، بیاید بجز محیای به سکون یاء خوانده است.	ـ الف‌هایی که با «ی» نگارش شده ـ الف‌های مقصوره رأس الآیات ـ وزن‌های فِعلی، فَعلی، فُعلی، فَعالی و فُعالی ـ الف‌هایی که پس از راء مکسور آخر کلمه باشند مثل : الجار، الجبارین و انصاری / الف کافرین دوری : امالهٔ «الناسِ» در کل قرآن و سوسی : فتح آن
ابن عامر	ذال «اذ» مثل ابوعمرو / تاء تأنیث در ث، ص، ظ / ن یس در والقرآن و «ن» در والقلم / دال کهیعص در ذکر /نون سین در میم طسم / ذال اخذ و مشتقات آن در ت. هشام : دال «قد» در حروف هشتگانه (ج، ذ، ز، س، ش، ص، ض، ظ) بجز «لقد ظلمک» / لام «هل» و «بل» در نزد ت، ث، ز، س، ط، ظ. ابن ذکوان : دال «قد» را در 4 حرف : ذ، ز، ض، ظ ادغام کرده است.	در اجتماع دو همزه در دو کلمه : مثل عاصم / کفؤاً و هُزُءاً به همزه / ءَآمنتم (اعراف، طه، شعرا) با دو همزه و به تسهیل دومی هشام : در اجتماع دو همزه که دومی مفتوح : دو وجه تسهیل دومی یا تحقیق آن و در هر دو حالت ادخال الف فصل بین دو همزه به استثناء 7 موضع. اگر دومی مضموم: به تحقیق با ادخال و بدون آن / ءاعجمی : حذف اولی و تحقیق دومی ابن ذکوان : در اجتماع دو همزه در یک کلمه، مثل عاصم، حمزه و کسائی	ـ بعد از یاء متکلم، همزه قطع مضموم و مکسور : به سکون «ی» ـ بعد از یاء متکلم، همزه وصل با لام تعریف : سکون «ی» / یاء لعلی : به فتح ـ ابن ذکوان : بعد از یاء متکلم، همزه قطع مفتوح : فتح «ی»	- حروف مقطعه : امالهٔ راء در الروالمر، امالهٔ «ی» فقط در کهیعص. نیز کلمه مُجریها به ضم میم و بدون ا ماله. ابن ذکوان : الف جاء و شاء / الف و راء در التوریهٔ / راء و همزه در «رأی» ولی اگر با ضمیر همراه بود، دو وجه : اماله یا فتح / الف در «محراب» مکسور / حاء در «حم» ـ هشام : الف و نون «اِناه» و الف در «مشارب» و الف و همزه در «آنیهٔ» سوره غاشیه / الف و عین در «ولا انتم عابدون» در دو موضع و «لا انا عابد»، (سوره کافرون)
ابن کثیر	در ادغام متقاربین مثل حفص امساک دارد. ـ بزّی : نون سین را در میم «طسم» ادغام کرده و میم در «ارکب معنا» را به دو وجه : اظهار و ادغام خوانده ـ قُنبُل : باء در میم را در ارکب معنا ادغام کرده است.	ـ اجتماع دو همزه (قطع) در یک کلمه : همزه دوم به تسهیل - «قرءان» در کل آیات را قُران خوانده است. بزّی : دو همزه قطع متفق الحرکه هر دو مفتوح : حذف یکی از آندو ـ هر دو مکسور یا مضموم : تسهیل اولی (مثل قالون) قنبل : در وصل «قال فرعون» به «آمنتم» (اعراف) و وصل «الیه النشور» به «ءَاَمنتم» (ملک) همزه اول را به واو خوانده و همزه دوم را تسهیل کرده. در دو همزه متفق الحرکه همزه اول : تحقیق و همزه دوم : تسهیل و ابدال به حرف مدی مجانس با همزه اول (مثل ورش)	ـ بعد از یاء متکلم، همزه قطع مفتوح : فتح «ی» (مثل نافع و ابوعمرو) بعد از یاء، همزه قطع مضموم یا مکسور : سکون «ی» ـ بعد از یاء، همزه وصل با لام تعریف : فتح «ی»	در قرائت ابن کثیر اماله وجود ندارد.

پیوست یکم: **شعبه (راوی دوم عاصم)**

به روایت شعبه، عاصم در کلمات ذیل اماله کرده است:

1ـ «ادریک» در سیزده موضع و «ادریکم» در سوره یونس: 16

2ـ چهارکلمهٔ : رَمی، اَعمی، سُوی (به هنگام وقف) و سُدی (به هنگام وقف)

3ـ امالهٔ راء و الف «ران» (مطففین)

4ـ امالهٔ الف «هارٍ» (توبه)

5ـ اماله الف «نَئا» (اسراء) ولی همین کلمه در سوره فصّلت به فتح روایت شده است.

6ـ امالهٔ راء و همزه در کلمه «رأی»، در هفت موضع (: انعام /76، هود /70، یوسف /24 و 28، طه / 10، نجم / 11 و 18) و کلمهٔ «رءاک» (انبیاء : 36)، «رءاها» (نمل : 10)، «رءاه» (قصص : 31)

7ـ امالهٔ راء «رأی» به هنگام وصل این کلمه به ما بعد خود : رءا القمر، رءا الشمس (انعام : 77 و 78)، رء االذین ظلموا، (رءا الذین اشرکوا) نحل : 85 و 86، رءا المجرمون (کهف : 53)، رءا المؤمنون (احزاب : 22)

8ـ در حروف مقطعه : امالهٔ راء در «الر» و «المر»، امالهٔ هاء و یاء در «کهیعص»، امالهٔ طاء و هاء در «طه»، امالهٔ یاء در «یس»، امالهٔ طاء در «طس» و «طسم»، امالهٔ حاء در «حم»

پیوست دوم: **همزه در قرائات نافع و راویان آن**

نافع

در همه کلماتی که دارای دو همزهٔ قطع پیاپی باشند (اولی مفتوح و دومی مفتوح، مکسور یا مضموم)، دومین با همزه را به تسهیل قرائت کرده است.

اگر همزه اول، مضموم و دومی مفتوح باشد با همزه دوم را به واو خالص بدل کرده، اگر همزه اول مکسور و دومی مفتوح باشد، همزه دوم را به یاء خالص بدل کرده و اگر همزه اول مضموم و دومی مکسور باشد، به دو وجه : تسهیل دومی یا ابدال آن به واو خالص خوانده است.

او کلمه «النّبی» را به هر صورت که باشد با همزه خوانده : النّبی ء، نبیئاً، الانبئاء

کلمه «مؤصده» (بلد، همزه) را به ابدال همزه به واو (موصده)، و «الصابئین» و «الصابئون» (بقره، مائده، حج) را به حذف همزه خوانده است.

دو کلمهٔ هُزُءاً و کُفُؤاً را با همزه خوانده است.

در کلمه «انا» اگر بعد از آن همزه قطع مفتوح یا مضموم بیاید، در وصل، به الف با مد منفصل می‌خواند.

نقل و حذف : در قرائت نافع فقط در کلمه «الان» و «عاداً الاولی» با ادغام تنوین «عاداً» در لام تعریف «الاولی» این قاعده اجرا شده. در قالون نیز چنین است.

ورش

همزة مفرده: اگر در کلمه‌ای همزه ساکن در محل فاء الفعل باشد، آن همزه را در هر حال به حرف مدّی از جنس حرکت ما قبل بدل کرده است. از این اصل کلیه تصاریف ریشهٔ «أوی» مستثنا هستند.

همچنین سه کلمه «بئر»، «بئس» و «الذئب» با آن که همزه، فاء الفعل کلمه نیست با بدل به یاء خوانده است.

اگر همزه فاء الفعل مفتوح پس از ضمه واقع شود، همزه را تبدیل به واو خالص کرده است، مثل : «مُوَجّلا».

او همزهٔ کلمهٔ «لئلّا» را به یاء تبدیل نموده و همزه بعد از یاء «انّما النّسئ» (سوره توبه) را بدل به یاء و در یاء قبلی ادغام کرده است (: انّما النّسیُّ)

نقل و حذف: هر گاه قبل از همزهٔ قطع، حرف ساکنی غیر از حروف مدّی بیاید، حرکت همزه را به ساکن ما قبل داده و همزه را حذف می‌کند. این قاعده را به اختصار، نقل گویند.

اجتماع دو همزه در یک کلمه : اگر هر دو همزه مفتوح باشد، دومی را به الف بدل میکند که اگر حرکت بعد آن، ساکن باشد، با مد اشباع خوانده است : مثل «ءآنذرتم»

و اگر متحرک باشد، به قصر. مثل ءَالذُ، به استثنای دو کلمهٔ: «ءَانت» و «ارأیت» که در آندو فقط تسهیل می‌کند هم چنین در دو کلمهٔ آمنتم (اعراف، طه، شعراء) و ءَآلهتنا (زخرف)، ابدال صورت نمی‌گیرد.

اجتماع دو همزه قطع در دو کلمه :

اگر متفق الحرکه باشند، به دو وجه : تسهیل دومی یا ابدال آن به حرف مدّی مجانس با حرکت همزه اول است و حرف بعد از ابدال اگر متحرک به حرکت اصلی باشد، به قصر و اگر متحرک به حرکت عارضی باشد، اشباع یا قصر است و اگر حرف پس از ابدال ساکن باشد، مدّ حاصل از ابدال به اشباع خواهد بود.

ولی اگر حرکت دو همزه مختلف باشند، بیان قاعده آن در «نافع» گذشت.

قالون

در کلماتی که دو همزهٔ قطع مختلف الحرکه به دنبال هم آمده باشند، مانند استادش، همزهٔ دوم را تسهیل می‌کند، امّا میان دو همزه، یک الف مصوّت بلند (آ) می‌افزاید (مگر در آمنتم و ءَآلهتنا و **أئمة**) ولی اگر دو همزه متفق الحرکه و در دو کلمه باشند، اگر هر دو مفتوح باشند یکی از آن دو را حذف کرده و اگر هر دو مکسور یا مضموم باشند، اولی را تسهیل نموده است. (مثل بزّی)

همزه مفرده : در تمام موارد یادشده در همزه مفرده ورش، روایت قالون از نافع، به تحقیق آنهاست.

در «النبی» که در نافع ذکرش گذشت، در دو مورد آنرا به یاء مشدّد خوانده : لِلنّبیّ ان اراد بیوت النبیّ الّا اَن (احزاب : 52/50)

پیوست سوم: **یاءات متکلم در قرائت نافع**

نافع بیش از قراء دیگر به مفتوح گردانیدن این یاءات گرایش دارد. وی یاء ضمیر متکلم ما قبل مکسور را به شرط آن که کلمه سنگین نشود با فتحه قرائت کرده مثل :اِنّیَ اُعیذها.

کلمات اِنّیَ و اِنّنیَ در مواضعی که قبل از همزه قطع یا همزه وصل قرار گیرند، به فتح یاء خوانده است (مانند ابن کثیر و ابوعمرو)

موارد اختلاف نافع با حفص: محیایَ (انعام : 164)، قالون به سکون و ورش به دو وجه خوانده : مثل حفص (به فتح) و مثل قالون (به سکون یاء) و در صورت سکون، نافع آن را مدّ کامل اشباع داده است. / بیتی در «لمن دخل بیتی» (سوره نوح)، نافع به سکون یاء و در دو موضع دیگر : بقره :124 و حج :24 به فتح خوانده / مماتی لله (انعام : 164) به فتح یاء خوانده / لی در «مالی لا اری الهدهد» (نمل : 20) و لی نعجهٔ (ص : 22)، ما کان لی علیکم (ابراهیم : 24)، ما کان لی من علم (ص : 68) به سکون یاء خوانده است. ورش : «ولی فیها مارب اخری» (طه : 18) به فتح و قالون به سکون خوانده / معی : هشت مورد هر جا آمده نافع به سکون یاء خوانده و در موضع دوم شعراء : 118 : «نجّنی و من معی من المؤمنین» را ورش به فتح یاء خوانده/ یاء در «ان لم تؤمنوالی» (دخان : 20)، و لیؤمنوا بی (بقره : 185) را ورش به فتح یاء خوانده / یا عبادِ لا خوف (زخرف : 68) را نافع به اثبات یاء به سکون (عبادی) در هر حال خوانده است.

پیوست چهارم: **کسائی**

اماله

امالة الف: الف‌های منقلب از یاء در افعال و نیز الف‌های «اَعلی» و مانند آن.

ـ الف‌های منقلب از واو در سوره‌هایی که دارای فاصله‌های الف منقلب ازیاء باشد؛ مثل العلی، الضحی، طحیها، الربا و کلمات واوی که از سه حرف بیشتر اند مثل یرضی، زکّیها، یُدعی، فتعالی.

ـ الف‌های تأنیث مقصورهٔ مثلث الفاء (وزن‌های فَعلی، فِعلی و فُعلی) مثل تَقوی، اِحدی، قُربی و نیز وزن‌های فُعالی و فَعالی مثل اُساری و یَتامی

ـ و هر الفی که در رسم مصحف با یاء نوشته شده باشد، مانند متی بلی اَنّی

ـ کلمات آخر 11 سورهٔ قرآن کریم : طه، نجم، معارج، قیامه، نازعات، عبس، اعلی، شمس، لیل، ضحی، علق. مگر الف آنها بدل از تنوین باشد مثل ضنکا، نسفا

ـ الف متوسط واقع بین دو راء که اولی مفتوح و دومی در آخر کلمه مکسور باشد، مانند الابرار من قرارِ

ـ الف بعد از «ی» مثل خطایا، خطا یا کم

ـ اماله راء و همزه در کلمه «رأی»، اگر قبل از متحرک باشد، مثل رءاک، رءاکوکباً

ـ حروف مقطعه : راء در الر و المر، هاء و یاء در کهیعص، یاء در یس، طاءوهاء در طه، طاء در طسم و طس، حاء در حم

امالة حرکت:

فتحهٔ ما قبل تاء تأنیث اعم از اینکه دلالت بر تأنیث بکند یا نه و اعم از اینکه مدوّر رسم شده باشد یا کشیده به کسره میل میدهد، بجز در کلماتی که حروف استعلاء یا الف یا «ع» پیش از آن تاء تأنیث قرار گرفته باشد.

همچنین در چهار حرف : «ء»، «ک»، «هـ» و «ر» فقط در صورتی که قبل از این حروف، کسره یا «ی» ساکن باشد، اماله صورت می‌گیرد : الایکِه، ملائِکِه، فاکِهِه.

در پانزده حرف باقیمانده از مجموع حروف الفبا که قبل از تاء تأنیث واقع شوند، اماله کرده است (این حروف عبارتند از : فجثت زینب لذود شمس)

دوری : هر الفی که پس از آن، «ر» مکسور باشد را و نیز الف در دو کلمه «کافرین» و «جبّارین»، و نیز «الرّؤیا»، «رؤیاک»، و کلمات : مثوای، محیای، مشکاة، هدای، وَالجارِ، آذانِهم (الف دوم)، طغیانهم، بارئ، بارئکم، اماله کرده است.

پیوست پنجم : **ابوعمرو**

ادغامات

ـ ادغام «ت» تأنیث علاوه بر خود در ده حرف : ج، د، ذ، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ

ـ ادغام (کبیر) «ت» جمع مؤنث سالم در هفت حرف : ث، ج، ذ، ز، س، ص، ض

ـ ادغام «ث» در پنج حرف : ت، ذ، س، ش، ض

ـ ادغام دال «قد» علاوه بر «ت» در هشت حرف : ج، ذ، ز، س، ش، ص، ض، ظ

ـ ادغام دال در ده حرف : ت، ث، ج، ذ، ز، س، ش، ص، ض، ظ، به شرط آنکه حرکت دال اگر مفتوح است، قبل آن ساکن نباشد.

ـ ادغام ذال «اِذ» در هفت حرف : ت، ج، د، ز، س، ص، ظ

ـ ادغام (کبیر) دال در «ذ» و «ض» به شرط مکسور بودن مدغم (مثل من بعدِ ضرّاء)، باء در «م»، قاف در «ک» و بالعکس اگر در دو کلمه بوده* و حرف قبلی مد غم، متحرک باشد، نون در «ل» بشرط متحرک بودن حرف قبلی مدغم

* همین ادغام در چهار مورد در قرآن که مدغم و مدغم فیه در یک کلمه هستند، صورت گرفته و آن چهار کلمه عبارتند از : خلقکّم رزقکّم طلّقکّن ماسبقکّم بها []

ـ ادغام (صغیر) راء در «ل»، باء ساکن در «ف»، ذال در «ت» در یک کلمه

ـ دو حرف مثل هم اگر در یک کلمه باشند، فقط در دو کلمه : مناسککّم و ما سلککّم ادغام کرده و بقیه را به اظهار خوانده ولی اگر در دو کلمه باشند، همه را به ادغام خوانده است.

ـ ادغام لام «هل» فقط در موضع «هل تّری» (سوره ملک) و «فهل تّری لهم» (سوره حاقه)

ـ ادغام دال ملفوظ در کهیعص در کلمه «ذکر» سوره مریم و باء در «م» «یعذّب من یشاء» (آخر بقره) و باء در «م» «ارکب معنا» (هود).

ادغام به روایت سوسی

ادغام کبیر دو حرف متقارب : اگر دو حرف متقارب در یک کلمه باشند، فقط قاف را در «ک» به دو شرط: متحرک بودن قاف و میم جمع آمدن پس از کاف، ادغام کرده است. (مثل : یرزقکّم) اگر دو حرف متقارب در دو کلمه باشند، وقتی مدغم یکی از حروف 16 گانه (ب، ت، ث، ج، ح، د، ذ، ر، س، ش، ض، ق، ک، ل، م، ن) در یکدیگر ادغام نموده است.

ـ راء ساکن در «ل» را ادغام کرده است (مثل : فاصبر لّحکم...)